

مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی

احمد امامی‌راد^۱

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بیان مسائل اخلاقی‌ای است که مشاور اسلامی باید در مشاوره و درمان رعایت نماید. این مسائل در سه بخش بررسی شده‌اند: درباره‌ی خود مشاور، درباره‌ی مراجع، درباره‌ی متخصصان و همکاران دیگر. مسائل اخلاقی درباره‌ی خود مشاور، که یازده مسئله است، به مسائلی اشاره دارد که مشاور باید پیش از ورود به حیطه‌ی مشاوره و به همراه درمان داشته باشد و به نوعی شرط‌گزینش و بقای او به شمار می‌رود. در مسائل اخلاقی مربوط به مراجع، که مهم‌ترین بخش روابط مشاوره‌ای است، سی مسئله‌ی اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت به یازده مسئله‌ی اخلاقی مشاور و روان‌درمانگر درباره‌ی متخصصان و همکاران دیگر اشاره گردیده است.

واژگان کلیدی: مشاوره،^۲ اخلاق،^۳ نظام‌نامه‌ی اخلاقی.^۴

۱. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه و کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش مشاوره و راهنمایی

2. Counseling.

3. Ethics.

4. Professional Ethics.

مقدمه

اصولاً رهبران و مردم کارهای خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و مشاوره در امور مهم، با صاحب‌نظران صورت می‌گیرد. در این صورت، کمتر گرفتار لغزش شده، بیشتر کارهایشان قرین موفقیت و بالندگی خواهد بود.

در اسلام، با توجه به پشتیبانی قوی حاصل از مشاوره،^۵ خداوند این امر را از اوصاف مؤمنان دانسته،^۶ با امر به پیامبر گرامی اسلام^۷ به مشاوره با مسلمانان، چنین می‌فرماید: «در کارها با ایشان مشورت کن». (آل عمران: ۱۵۹). مشاوره آن قدر مورد اهتمام اسلام می‌باشد که امام صادق ۷ به طور مطلق می‌فرماید: «هیچ کس از مشورت به هلاکت نمی‌افتد».^۸ همچنین حضرت علی ۷ مشاوره را عین هدایت دانسته،^۹ مشورت‌کننده را در راه رستگاری^{۱۰} و مصون از اشتباه و لغزش می‌داند.^{۱۱}

از سوی دیگر، کسانی که مشاوره را ترک می‌نمایند، مورد ملامت شدید قرار گرفته‌اند؛ امام باقر ۷، با اشاره‌ای عام به لزوم مشورت در همه‌ی کارها، مشورت‌نکردن را موجب پشیمانی می‌داند.^{۱۲} امیرمؤمنان، علی ۷ نیز می‌فرماید: «هر کس استبداد رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ و صاحب‌اندیشه مشورت کند، در عقل آنان شریک می‌گردد».^{۱۳}

با توجه به نکات بیان شده، مشاور نیز در اسلام از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد^{۱۴} و برای

۵. «هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵).
 ۶. «و کارشان بر پایه‌ی مشورت با یکدیگر است». (شوری: ۳۸).
 ۷. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۱.
 ۸. «مشورت‌خواهی عین هدایت است و هر که خود را از نظر دیگران بی‌نیاز ببیند، به مخاطره افتد». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۴).
 ۹. «مشورت‌کننده در طریق رستگاری است». (تمیمی، غررالحکم و دررالكلم، ص ۴۴۲).
 ۱۰. «مشورت‌کننده از اشتباه و لغزش مصون است». (همان).
 ۱۱. «هر کس مشورت نکند، پشیمان می‌شود». (حر آملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹).
 ۱۲. همان، ج ۱۲، ص ۴۰.
 ۱۳. «هر که از برادر خود حاجتی برآورد، مانند کسی است که روزگاری خدا را عبادت کرده است». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۲).

او اجر اخروی والایی در نظر گرفته شده است.^{۱۴}

با مراجعه به عقل و متون اسلامی معلوم می‌گردد که چنین جایگاه والایی را نمی‌توان برای هر مشاوره و مشاوره در نظر گرفت؛ مشاوره که به مسائل اخلاق اسلامی پایبند نبوده، به انجام محرمات الهی و خیانت به مراجع اقدام نماید، مستحق ثواب اخروی نمی‌باشد و از جایگاه‌های بیان شده محروم است. مشاوره با چنین شخصی نه تنها مورد ترغیب دین نمی‌باشد، بلکه امام صادق ۷ مشاوره نکردن با چنین اشخاصی را از مشاوره با آنها بهتر می‌داند و می‌فرماید: «مشورت شایسته نیست، مگر با شرایط آن و هر که آنها را بداند، خوب است، و گرنه زیانش بر مشورت‌خواه بیش از سودش می‌باشد».^{۱۵} بدین ترتیب، با وجود تأکید فراوان بر مشاوره و اهمیت آن در متون اسلامی، امام صادق ۷ در صورت رعایت نشدن حدود مشاوره، نبود آن را بهتر از بودنش برمی‌شمارد و زیان آن مشاوره را برای مراجع بیشتر از خیر آن ارزیابی می‌فرماید؛ از این‌رو، امیرمؤمنان، علی ۷، می‌فرماید: «با وجود غفلت در راهنما، گمراه چگونه هدایت می‌شود؟!»^{۱۶} همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «هر که راهنمایی را از غیر اهل آن طلب می‌کند، گمراه می‌شود».^{۱۷} نیز فرمودند: «هر که از گمراه راهنمایی جوید، از راه واضح کور گردد».^{۱۸}

از این رو، باید توجه داشت که ویژگی‌های مشاور و پایبندی وی به رعایت مسائل اخلاقی، از مهم‌ترین اموری است که باید در مشاوره مورد عنایت باشد. از نظر اسلام، هر مشاوره لیاقت حضور در عرصه‌ی مهم یاری‌رسانی را ندارد و مشاورانی می‌توانند به این کار اشتغال ورزند که دارای حداقل ویژگی‌های دینی ویژه‌ی مشاور باشند.

۱۴. «به راستی برای خدا بنده‌هایی است در زمین که می‌کوشند در حوایج مردم، ایشان‌اند که روز قیامت آسوده‌اند و هر که وسیله‌ی شادی مؤمنی را فراهم سازد، خدا دلش را در روز قیامت شاد کند». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷).
 ۱۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲.
 ۱۶. صابری و انصاری، الحکم الزاهره، ص ۷۲.
 ۱۷. تمیمی، غررالحکم و دررالكلم، ص ۹۵.
 ۱۸. همان‌جا.

مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی

مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی را می‌توان در سه حیطه مورد بررسی قرار داد:

۱. مسائل اخلاقی خود مشاور؛
۲. مسائل اخلاقی مشاور در رابطه با مراجعان؛
۳. مسائل اخلاقی در ارتباط با متفحصان و همکاران دیگر.

پیش از ورود به بحث لازم است دو نکته بیان شود:

۱. با توجه به ماهیت و کار اصلی در مشاوره، بیشتر مسائل اخلاقی درباره‌ی مراجع مطرح می‌باشد.
۲. تقسیم سه‌گانه‌ی بالا، به معنای ارتباط نداشتن آنها با همدیگر نیست، بلکه مسائل اخلاقی در هر قسمت، ارتباط تنگاتنگ با مسائل اخلاقی بخش‌های دیگر دارد. همچنین برخی از مسائل اخلاقی، که در یکی از قسمت‌ها مطرح شده است، می‌تواند در بخش دیگر نیز مورد اهتمام باشد؛ برای نمونه، هر چند مسائلی مانند «تقوا» یا «نداشتن حرص» یا «صبر» از اموری است که مشاور باید پیش از ورود به رابطه‌ی درمانی مورد توجه قرار دهد، ولی این‌گونه مسائل در مشاوره و ارتباط با مراجع و همچنین در ارتباط با متخصصان دیگر نیز مطرح بوده، در رعایت یا تثبیت برخی از مسائل دیگر اخلاقی نیز دخیل خواهند بود.

۱. مسائل اخلاقی در رابطه با خود مشاور

مشاور پیش از ورود به عرصه‌ی یاری‌رسان مشاوره و همچنین در زمان خدمت‌رسانی در این عرصه، برای کسب برخی از مسائل اخلاقی و ایمان به آنها؛ خواهد کوشید. در واقع، مسائل اخلاقی مزبور به مسائل اخلاقی‌ای اشاره دارند که به نوعی زیربنای ورود به این عرصه و رعایت دیگر مسائل اخلاقی را تشکیل می‌دهند. این مسائل اخلاقی به قرار زیر است:

۱-۱. توجه به کرامت انسانی

اسلام برای کرامت انسانی اهمیت والایی قائل شده است، به گونه‌ای که توجه به کرامت

انسانی و اکرام برادران دینی، موجب رحمت خداوند^{۱۹} و به منزله‌ی اکرام او^{۲۰} برشمرده می‌شود و رعایت نکردن آن، خشم الهی را به دنبال دارد.^{۲۱}

۱-۲. توجه مثبت به همه‌ی مراجعان و پذیرش آنان

در اسلام، توجه مثبت به افراد و نگاه مثبت به آنها، که پذیرش قلبی و عملی آنان را در پی خواهد داشت، با انگیزه‌ی برادر دینی بودن با مسلمانان یا شباهت در خلق برای غیرمسلمانان، مورد اهتمام قرار گرفته^{۲۲} و این امر نیک برای هر کسی که از انسان درخواست یاری دارد، لازم دانسته شده است.^{۲۳} ثمره‌ی آن برای ترقی معنوی و اجتماعی شخص نیز مهم قلمداد گردیده است،^{۲۴} افزون بر آن که داشتن این روحیه و عمل، مقضای خردمندی است.^{۲۵}

۱-۳. ارزیابی عاقلانه‌ی مسائل

اسلام، افزون بر اهتمام به عقل در تمام امور زندگانی بشر،^{۲۶} یکی از معیارهای مهم انتخاب مشاور را نیز «عاقل بودن» و ارزیابی عاقلانه‌ی مسائل توسط او برشمرده است.^{۲۷} در این

۱۹. «هر که گرمی دارد برادر مسلمانش را به یک کلمه‌ی مهرآمیز و گره از گرفتاری او بگشاید، پیوسته در سایه‌ی مستمر رحمت خدا می‌باشد تا در آن کار است». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶).
۲۰. «هر کس برادر آدینی‌اش را اکرام کند، همانا خداوند را اکرام کرده است؛ گمان شما در مورد این که خداوند با چنین شخصی چه می‌کند، چیست؟!» (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۹).
۲۱. «خدای تبارک و تعالی فرموده: اعلان جنگ با من دریابد، هر که آزار دهد بنده‌ی مؤمنم را و باید آسوده باشد از خشم من، کسی که گرمی دارد بنده‌ی مؤمنم را». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۱).
۲۲. «مردم دو صنف‌اند: یا برادر دینی تواند یا مانند تو در آفرینش هستند». (نهج‌البلاغه، ص ۴۲۶).
۲۳. «کار نیک انجام بده درباره‌ی هر کس که از تو درخواست آن را دارد». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۴۱).
۲۴. «اگر شایسته‌ی نیکوکاری باشد که کار به‌جایی کرده‌ای و اگر شایسته نباشد، تو شایسته‌ی نیکوکاری هستی». (همان‌جا).
۲۵. «لوح خردمندی پس از دین‌داری، اظهار دوستی با مردم و خوبی کردن به هر کسی از خوش‌کردار و بدکردار است». (صدوق، عیون‌أخبارالرضا، ج ۲، ص ۳۵).
۲۶. «کسانی که به سخن گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، ایشان‌اند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان خردمنداند». (زمر: ۱۸).
۲۷. «با فرد خردمند پارسا مشورت کن». (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲).

زمینه، به آثاری مانند رسیدن به خیر،^{۲۸} دوری از زیان،^{۲۹} رشد همه‌جانبه، برکت در کارها و اسباب توفیق الهی^{۳۰} نیز اشاره گردیده است.

۴-۱. تقوا

می‌توان گفت که مهم‌ترین معیار در انتخاب مشاور در اسلام، «تقوا» می‌باشد، زیرا با داشتن تقوای الهی و تقید به دین، بسیاری از مسائل اخلاقی دیگر نیز حاصل می‌شود، به گونه‌ای که اسلام شرط تقوای مشاور را در همه‌ی مشورت‌ها و در هر زمینه لازم دانسته،^{۳۱} داشتن آن را باعث خیرمحوری مشاور^{۳۲} و امانت‌داری و خیانت نکردن او^{۳۳} برمی‌شمارد.

۵-۱. پرهیز از حرص

«حرصی» که مورد مذمت دین قرار گرفته، حریص بودن افراطی به دنیا است.^{۳۴} این امر افزون بر مذمت عمومی، در مشاوره نیز مورد نهی واقع شده است.^{۳۵} چون هدف افراطی فرد حریص، دنیا می‌باشد، آن را بر بسیاری از اهداف مهم در مشاوره مقدم خواهد نمود و با کشاندن مراجع به سوی کارهای نادرست و دنیاپرستی افراطی،^{۳۶} از نتایج دنیوی نیز محروم خواهد کرد.^{۳۷}

البته این امر به معنای بی‌اعتنایی به مشاوره‌ی مادی و اقتصادی و ارائه‌ی راهکارهای

۲۸. «با فرد خردمند پارسا مشورت کن که او جز به خیر نظر ندهد». (همان‌جا).

۲۹. «اگر مشاور عاقل باشد، از مشورت با او منفعت می‌بری». (همان‌جا، ص ۴۳).

۳۰. «مشورت با خردمند خیرخواه، رشد و میمنت و توفیق از خداست». (همان‌جا، ص ۴۲).

۳۱. «در همه‌ی امورت با فرد متقی مشورت کن». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۹).

۳۲. «با مرد خردمند پارسا مشورت کن که او جز به خیر نظر ندهد». (همان‌جا، ص ۱۰۱).

۳۳. «شخص امین کسی است که از خداوند ترس داشته باشد». (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۷).

۳۴. «چه‌بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکند و به آنچه از آن به دست آورده از آخرتش باز مانده تا این که عمرش سپری شده و مرگش در رسیده است». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۵).

۳۵. «با انسان‌های حریص مشورت نکن». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۲).

۳۶. «با انسان‌های حریص مشورت نکن (که در صورت مشورت با آنان) راه شر را به زیان تو آسان می‌کند و حرص را بر تو خوب جلوه می‌دهد». (همان‌جا).

۳۷. «حرص حریص، روزی را بیشتر نمی‌سازد». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۳).

افزایش درآمد و امثال آن نیست، زیرا حُسن تدبیر در امور مادی، نه تنها در اسلام مورد نهی نیست، که بدان تأکید هم شده است؛^{۳۸} آنچه در باب ولع مشاور مورد مذمت است، ولع شدید او به دنیا، انتقال آن به مشاوره، سوءاستفاده از مراجع، گرفتن حق‌الزحمه‌ی اضافی، طولانی کردن بیش از حد جلسات درمان، انتقال حرص به مراجع و... می‌باشد.

۶-۱. بفیل نبودن

«بخیل» به کسی می‌گویند که حاضر نیست چیزی از منافع و امتیازاتی را که در اختیار دارد، به دیگران ببخشد یا در اختیار دیگران قرار دهد. مشاور اسلامی نباید بخیل باشد. این امر سبب انتقال آن به مراجع و مشاوره شده، تهدید مراجع به فقر و منع او از احسان را در جایی که باید احسان نماید، به دنبال دارد.^{۳۹} و با انتقال آن به مراجع، به سعادت ابدی او نیز لطمه وارد می‌شود.^{۴۰}

۷-۱. صبر

اسلام افزون بر توصیه به صبر، به لزوم دعوت دیگران به صبر نیز اهتمام می‌ورزد^{۴۱} و صبر را وسیله‌ی یاری انسان برمی‌شمارد.^{۴۲} نتیجه‌ی آن را نیز نعمت‌های بهشتی می‌داند.^{۴۳} از آثار صبر در مشاوره می‌توان به این موارد اشاره نمود: ارتقا و پیشرفت معنوی مشاور،^{۴۴} پیشرفت

۳۸. «بر امتم از فقر نمی‌ترسم، بلکه از بدی تدبیرشان می‌ترسم». (احسانی، عوالی‌اللائئ، ج ۴، ص ۳۹).

۳۹. «در مشورت خود بخیلان را راه مده که مانع احسان شوند و مدام به فقر تهدیدت کنند». (نهج‌البلاغه، ص ۴۰۶).

۴۰. «بخیل وارد بهشت نمی‌شود». (نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۸).

۴۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و دیگران را دعوت به صبر نمایید». (آل‌عمران: ۲۰۰).

۴۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از صبر و نماز یاری بطلبید که همانا خداوند صبرکنندگان را دوست دارد». (بقره: ۵۳).

۴۳. «سلام بر شما به خاطر آن همه شکیبایی که ورزیده‌اید. سرای آخرت چه سرایی نیکوست». (رعد: ۲۴).

۴۴. «اگر صبر کنی، به سبب صبر خود منزل‌های نیکوکاران را درمی‌یابی». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۴).

همه‌جانبه‌ی مشاوره،^{۴۵} حاکم شدن آرامش و صفا در فضای مشاوره،^{۴۶} به نتیجه رسیدن کارها،^{۴۷} ایجاد شادی در فضای مشاوره، مقابله با غمگینی^{۴۸} و ایجاد امید.^{۴۹}

۸-۱. آراستگی ظاهری

اسلام به آراستگی ظاهری فرد اهمیت فراوانی داده است، به گونه‌ای که از الزامات اخلاقی مؤمنان می‌باشد^{۵۰} و موجب محبوبیت نزد خداوند^{۵۱} می‌گردد. البته این آراستگی، به ویژه در برابر مراجع نامحرم، باید مقید به چارچوب اسلامی باشد.

۹-۱. داشتن صلاحیت مرفه‌ای

اسلام رجوع به متخصص را لازم دانسته و این نکته در مشاوره نیز مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.^{۵۲} مشاوره با افرادی که از صلاحیت حرفه‌ای برخوردارند، مقتضای دوراندیشی برشمرده شده است.^{۵۳} همچنین سیره‌ی ائمه اطهار : نیز بر این امر صحه می‌گذارد.^{۵۴}

۴۵. «صبر، یاری‌رسان بر هر کاری است». (همان، ص ۲۸۰).

۴۶. «صبر و شکیبایی از نور و روشنی که در باطن و درون بنده است، حکایت می‌کند و جزع و بی‌تابی از وحشت و ظلمت و تیرگی درون حکایت می‌نماید». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۰).

۴۷. «هر که به مرکب صبر سوار گردد، به میدان نصرت راه می‌یابد». (صابری و انصاری، الحکم الزهراء، ص ۵۲۴).

۴۸. «بسا اندک صبری که شادی درازی به‌یادگار گذارد». (مفید، امالی‌المفید، ص ۴۲)؛ «از ناشکیبایی بهره‌زی که سبب ایجاد غم و اندوه می‌گردد». (همان‌جا).

۴۹. «از ناشکیبایی بهره‌زی که سبب قطع امید می‌شود». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۴۴).

۵۰. «آراستگی، از اخلاق مؤمنان است». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳۵).

۵۱. «خداوند دوست دارد که وقتی بنده‌ای (کسی) به سوی برادران خود بیرون می‌رود، خود را برای آنها منظم کرده، خود را آراسته و زیبا سازد». (طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ص ۳۵).

۵۲. «هر کس با صاحبان سبب [رسیدن به هدف] مشورت کند، به سوی رشد رهنمون می‌گردد». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۴۱).

۵۳. «دوراندیشی، مشورت با صاحب‌نظران و پیروی آنان است». (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹).

۵۴. برای نمونه: امام رضا ۷، با اشاره به سیره‌ی پدر در مشاوره با متخصصان، می‌فرمایند: «چه‌بسا [برده‌های متخصص در زمینه‌ای] به آن حضرت نظری می‌دادند و آن را درباره‌ی مزرعه و بستان به‌کار می‌بست». (همان، ص ۴۴).

مؤلفه‌های اساسی برای صلاحیت داشتن، علم و تجربه‌ی کافی است.^{۵۵}

۱۰-۱. عمل به دانسته‌ها

اسلام علم بدون عمل را نامطلوب دانسته^{۵۶} و آن را بی‌ثمر قلمداد نموده است.^{۵۷}

۱۱-۱. بازبینی اعمال، علم و توانایی‌های فویش

بازبینی و محاسبه در اسلام، در دو حیطة مورد توجه قرار گرفته است: ۱. در اعمال روزمره؛^{۵۸} ۲. در علم و توانایی‌ها.^{۵۹}

۲. مسائل اخلاقی در رابطه با مراجعان

بیشترین مسائل اخلاقی، که در مشاوره از آن یاد می‌شود، مسائلی است که در رابطه‌ی مشاور با مراجعان، کارآموزان و زیردستان مطرح می‌باشد. هرچند این امور رابطه‌ی تنگاتنگی با مسائل اخلاقی مشاور دارند، ولی نمود خارجی اخلاق در این حرفه، در رابطه با مراجعین است.

این مسائل به قرار زیر می‌باشد:

۱-۲. تکریم و امتزاج مراجع

در اسلام، اکرام مؤمن به منزله‌ی اکرام خداوند دانسته شده است.^{۶۰}

۵۵. «بهترین مورد مشورت، مشورت با صاحبان عقل و علم و تجربه و دارای حزم و احتیاط می‌باشد». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۴۳).

۵۶. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا آنچه بدان عمل نمی‌کنید، می‌گویید؟!» (صف: ۲).

۵۷. «علم بدون عمل مانند درخت بدون میوه است». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۲).

۵۸. «از ما نیست کسی که هر روز کارهای روزانه‌اش را محاسبه و بررسی نکند». (طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۸۲).

۵۹. «عالم آن کسی است که ملول و دلتنگ از آموختن علم نشود». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳).

۶۰. «هر کس که برادر مسلمانش پیش او آید و او را گرامی بدارد، گویی خداوند عزوجل را اکرام کرده است». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶).

۲-۲. فوش‌گفتاری و فوش‌برفوردی

اسلام، عطوفت را از شرافت نفس دانسته،^{۶۱} لازمه‌ی آن را خوش‌گفتاری^{۶۲} و رفتارهای منجر به عطوفت^{۶۳} برمی‌شمارد.

۲-۳. توجه کامل به مراجع و درک کامل او

در اسلام، از مشاوره با کسی که به گوینده توجهی ندارد، نهی شده^{۶۴} و لازمه‌ی رأی و فکر صحیح و درک مراجع را توجه کامل مشاور به او برشمرده است.^{۶۵} این امر شامل درک موقعیت مالی مراجع نیز می‌شود.^{۶۶}

۲-۴. امتزاج به ارزش‌های منمصر به فرد مراجع و تممیل نکردن ارزش‌های خود بر او

در اسلام، تممیل نکردن ارزش‌های خود بر مراجع، با توجه به اصل اختیار و آزادی، مسلم است،^{۶۷} ولی احترام به ارزش‌های مراجع، به معنای برنامه‌ریزی درمانی برحسب آن نمی‌باشد و مشاور باید با اصل قرار دادن خداوند و حقیقت و مصلحت مراجع، در همه‌ی کارها از برنامه‌های درمانی‌ای که در اسلام نامشروع است، بپرهیزد، هرچند این برنامه‌ها در نظام ارزشی مراجع نامشروع نباشد.

همچنین در اسلام، احترام به ارزش‌های مراجع، به معنای وارد نکردن ارزش‌های اسلامی در درمان و حتی به معنای بی‌توجهی به هدایت دینی مراجع در مشاوره نیست.^{۶۸}

۶۱. «کسی که از شرافت و اعتماد به نفس برخوردار باشد، عواطف انسانی او زیاد خواهد بود». (تمیمی، *عمر الحکم و درر الکلم*، ص ۲۳۱).

۶۲. «نیکویی مصاحبت، محبت قلب‌ها را زیاد می‌کند». (همان، ص ۴۳۵).

۶۳. «با یکدیگر مصافحه کنید، زیرا کینه را از دل‌های شما می‌زداید» (کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۸۳).

۶۴. «با کسی که سرگرم کاری است، مشورت نکن، اگر چه ماهر باشد». (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۴۴۹).

۶۵. «هر کس خود را برای نصیحت و راهنمایی مراجعه‌کنندگانش ممحّض (کاملاً آماده) ننماید، خداوند رأی و فکر صحیح را از او سلب کرده، امانت عقل و اندیشه را از او می‌گیرد». (کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۳۴۸).

۶۶. «چه شایسته است که انسان به کم قناعت کند و بسیار ببخشد». (تمیمی، *عمر الحکم و درر الکلم*، ص ۳۷۶).

۶۷. «همانا برای دل‌های آدمی علاقه‌ها و کشش‌ها و بی‌رغبتی‌هاست. پس از راه تمایلیش او را به کار وادارید، زیرا هنگامی که قلب آدمی به آنچه دوست ندارد، واداشته شود، کور می‌گردد». (نهج‌البلاغه، ص ۵۰۳).

۶۸. «کسی را که با تو مشورت می‌کند، نصیحت کن». (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۹۹).

۲-۵. سلب نکردن اختیار و آزادی مراجع

«اختیار» و «آزادی»، از اصول مهم در نظام اخلاقی اسلامی است، به گونه‌ای که این امر در اعتقادات، که با سعادت یا شقاوت ابدی افراد سر و کار دارد، لازمه‌ی پاداش و کیفر نیز چنین اختیاری می‌باشد؛^{۶۹} از این رو، این مسئله در امور فرعی به طریق اولی جریان دارد. در احادیث، با اشاره به آزادی مراجع پس از لزوم مشورت،^{۷۰} مراجع را در اخذ راهکارهای درمانی مخیر می‌داند.^{۷۱} این اختیار در تمام مراحل مشاوره مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۶. رازداری

در دین مقدس اسلام، آن قدر به رازداری مشاور اهمیت داده شده است که بیان راز مراجع برای مشاور، به منزله‌ی بیان نکردن آن تلقی شده است.^{۷۲} اهتمام دین به بیان نکردن رازهای خود به دیگران^{۷۳} و فاش کردن آنها برای مشاور، به عنوان ثانوی و ضروری، تکلیف مشاور را در زمینه‌ی رازداری دوچندان می‌نماید.^{۷۴}

نقض رازداری آثار مخرب فراوانی دارد: تباهی کارها و نرسیدن به نتیجه‌ی مطلوب،^{۷۵} از بین رفتن اعتماد در اثر این خیانت^{۷۶} و ریختن آبروی مراجع،^{۷۷} از جمله‌ی این آثار است.

حفظ اسرار در هر مشاوره‌ای لازم است و باید در حق هر کس شخصی روا داشته شود، چنان که رهبر گروه و اعضای آن باید این نکته را در مشاوره‌ی خانوادگی و نیز مشاوره‌ی

۶۹. «همانا ما راه را به او (انسان) نشان داده‌ایم یا سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس». (انسان: ۳).

۷۰. «و در کارها با ایشان مشورت کن و هنگامی که قصد کاری کنی، بر خدای توکل کن». (آل عمران: ۱۵۹).

۷۱. «تو (مراجع) در أخذ به رأی مشاور اختیار داری». (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۱۹).

۷۲. «رازت را به او (مشاور) بگویی که چون خودت آن را بداند و آن را نپندارد». (حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۴۲).

۷۳. «سینه‌ی عاقل صندوق سرش است». (نهج‌البلاغه، ص ۴۶۹).

۷۴. «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است». (همان، ص ۴۲۹).

۷۵. «هر کس سر تو را آشکار ساخت، کار تو را ضایع کرده است». (تمیمی، *عمر الحکم و درر الکلم*، ص ۴۱۹).

۷۶. «آنچه در مجالس می‌گذرد، امانت است و علنی کردن سرّ مسلمان خیانت می‌باشد». (نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۳۹۸).

۷۷. «راز تو از خون تو است و مبادا جز در رگ‌هایت روان شود». (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۷۱).

موارد جواز نقض رازداری

با توجه به اهتمام فراوان اسلام به رازداری، می‌توان دریافت که اصل اولی و مهم، رعایت این امر در مشاوره می‌باشد و به جز موارد بسیار ضروری، نمی‌توان به نقض رازداری اقدام نمود. از موارد ضروری می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- امنیت جانی یا عرضی فرد دیگر

از متون اسلامی می‌توان دریافت که حفظ جان افراد، از مهم‌ترین امور است، تا جایی که خداوند متعال قتل ناحق فرد را همانند قتل تمام انسان‌ها برمی‌شمارد؛^{۷۹} از این رو، حفظ جان افراد بر همه چیز مقدم است. همچنین حفظ عرض و آبروی دیگران در دین مقدس اسلام بسیار مهم می‌باشد.^{۸۰}

از این رو، اگر نقض رازداری با امنیت جانی و عرضی فرد یا افرادی در ارتباط باشد، به گونه‌ای که چاره‌ی مقابله با آن فقط نقض رازداری توسط مشاور است، در این صورت، به حکم عقل و دفع افسد به فاسد، می‌توان نقض رازداری را در حد ضرورت جایز دانست. این امر در صورت ارتباط بیماری مراجع با امنیت جانی فرد دیگر نیز صدق می‌کند.

- برای جویاشدن نظر متخصص دیگر

در صورتی که مشاور برای یاری‌رسانی مطلوب‌تر، به آگاهی از نظر مشاور یا متخصص دیگر نیاز داشته باشد، می‌تواند رازداری را نقض کند، زیرا ادله‌ی لزوم مشورت^{۸۱} شامل مشاوران نیز می‌باشد و این گروه بی‌نیاز از مشورت نیستند. مشاور نیز برای بهبود نتیجه‌ی کار خود

۷۸. «آنچه در مجالس می‌گذرد، امانت است و علنی کردن سرّ مسلمان خیانت می‌باشد». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۹۸).

۷۹. «هر کس، انسانی را جز برای حق اقصا [یا بدون آن که فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه‌ی مردم را کشته باشد». (مائدة: ۳۲).

۸۰. «کسی که آبروی مؤمنی را ننگ دارد، بر خداست که او را از آتش آزاد کند». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۲).

۸۱. «هیچ پشتیبانی بهتر از مشاوره نیست». (نهج البلاغه، ص ۴۸۸).

می‌تواند با شخص امینی مشورت داشته باشند و در این وضعیت، چاره‌ای جز نقض رازداری ندارد. البته باید پیش از افشای سرّ مراجع، از تخصص و تجربه‌ی کافی متخصص مورد نظر در زمینه‌ی مورد مشاوره اطمینان حاصل نماید. بدیهی است که نقض رازداری در صورتی است که چاره‌ای جز افشای هویت مراجع نداشته باشد، ولی اگر مشورت کردن، با مجهول ماندن هویت امکان‌پذیر باشد، نباید رازداری را نقض نماید.

۷-۲. نصیحت و خیرخواهی

در اسلام، نصیحت و خیرخواهی مشاور (با رعایت حدود آن) نه تنها با اشکالی روبه‌رو نیست، که مورد تأکید هم می‌باشد.^{۸۲} البته باید اصول و حدود آن رعایت گردد؛ از جمله اصول آن زیاده‌روی نکردن در نصیحت^{۸۳} و همراه نبودن آن با ملامت افراطی^{۸۴} است.

۸-۲. صمیمیت و مهربانی

در اسلام، با توجه به جایگاه برادر دینی بودن مشاور و مراجع و حقوق مبتنی بر آن، صمیمیت لازم است و از شرایط اصلی مشاور به شمار می‌رود.^{۸۵} این امر در حفظ اسرار نیز نقش خواهد داشت.^{۸۶}

۹-۲. ایجاد و حفظ شادابی در مشاوره

اسلام کاهلی و کسلی را موجب ناتوانی در ادای حق دانسته،^{۸۷} خوش‌رویی و خنده‌رویی در برخورد با یکدیگر را سبب ریزش گناهان برمی‌شمارد.^{۸۸}

۸۲. «از حقوق مؤمن بر مؤمن دیگر، نصیحت او در آشکارا و پنهان است». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛

«مشورت با خردمند خیرخواه، رشد و میمنت و توفیق از خداست». (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۴).

۸۳. «زیادی نصیحت، به تهمت‌زدگی منجر می‌شود». (همان، ج ۷۲، ص ۶۶).

۸۴. «زیاده‌روی در ملامت، آتش‌های جدال را سخت می‌کند». (همان، ج ۷۴، ص ۲۱۲).

۸۵. «شرط سوم (مشاوره) آن است که یار و برادر باشد». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴۰۹، ص ۱۲، ص ۴۳).

۸۶. «... اگر (مشاور) دوست و برادر باشد، زمانی که راز تو بر او آشکار شد، پنهان می‌دارد». (همان‌جا).

۸۷. «اگر کاهلی پیشه‌کردی، نمی‌توانی ادای حق کنی». (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۷).

۸۸. «هنگامی که برادران خود را ملاقات نمودید، با هم دست بدهید و اظهار خوش‌رویی و خنده‌رویی کنید تا هنگامی که از یکدیگر جدا شوید، آنچه بار گناه بر دوش شما است، برداشته شده باشد». (صدوق،

الخصال، ج ۲، ص ۶۳۳).

۱۰-۲. صداقت و راستی

اسلام به صداقت و راستی در تمام امور آن قدر اهمیت داده است که رعایت نکردن آن را از شراب خوردن هم بدتر می‌داند؛^{۸۹} از این رو، مشاوره با دروغ‌گو را مانند سراب، پوچ و نامطمئن می‌داند.^{۹۰} صداقت شامل راست‌گویی زبانی و همخوانی و صداقت باطنی است که شامل اخلاص و پرهیز از دورویی نیز می‌گردد.^{۹۱}

۱۱-۲. جرئت داشتن و نترسیدن

مشاور اسلامی باید در مواردی مانند ارائه‌ی راهکار درمانی، که به صلاح مراجع است، جرئت داشته باشد و ترس را از خود دور سازد. در غیر این صورت، ترس به مراجع انتقال یافته، سبب سست شدن او و بزرگ‌نمایی مشکلات می‌گردد.^{۹۲} از علل‌های ترس می‌توان به سوءظن اشاره نمود^{۹۳} که در این صورت، لازم است مشاور ترسو، به درمان ترس خود نیز بپردازد.

۱۲-۲. ارائه‌ی مشاوره‌ی عمیق

اسلام با اهتمام به عمیق بودن در همه‌ی کارها،^{۹۴} عمق در رأی دادن برای مشاور و تلاش وی در این‌باره را لازم دانسته^{۹۵} و تعجیل در رأی دادن، بدون تأمل لازم و کافی را نهي کرده است.^{۹۶}

۸۹. «خداوند متعال برای هر شری قفل گذاشته است و کلید همه‌ی آنها شراب می‌باشد و بدتر از آن دروغ است.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸).
۹۰. «با دروغ‌گو مشورت نکن؛ دروغ‌گو مانند سراب است که وقتی از دور دست به آن نگاه شود، آب دیده می‌شود، ولی همین که نزدیک آن می‌شوی، هیچ نمی‌یابی.» (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۲).
۹۱. «(دنبال کسی نباش که) تو را بخنداند و با تو دغلی (حیله) کند.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۸).
۹۲. «انسان ترسو را مشاور قرار نده، زیرا تو را در پرداختن به امور تضعیف می‌کند و امور کوچک را برای تو بزرگ جلوه می‌دهد.» (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۲).
۹۳. «با ترسو مشورت نکن که اراده‌ی خروج را بر تو تنگ می‌کند... ترس، بخل و حرص غریزه‌هایی هستند که سوءظن آنها را یک‌جا گرد می‌آورد.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۴).
۹۴. «بر شما باد به ورع و پرهیزکاری و کوشش و عمق فراوان و...» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۷).
۹۵. «بر مشاور لازم است که سعی کامل و عمق در رأی دادن داشته باشد.» (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۳).
۹۶. «جواب مشورت را نگو تا برخیزی و بنشین و بخوری و بخوابی و نماز بگزاری و در این مدت درباره‌ی امر مورد مشورت فکر و دانش خود را به کار ببری.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۱).

۱۳-۲. مق‌مداری

اسلام حق‌محوری را مهم قلمداد کرده،^{۹۷} آن را حتی در صورت مخالفت قلبی مراجع نیز به‌جا می‌داند.^{۹۸}

۱۴-۲. تبعیض (روانداشتن)

اسلام معیار برتری افراد را در نژاد، رنگ، جنسیت و موقعیت‌های خاص دیگر نمی‌داند و تقوای الهی را یگانه معیار برتری برمی‌شمارد.^{۹۹}

۱۵-۲. توجه به ویژگی‌های منمصر به فرد مراجع

اسلام با این که معیار برتری را تقوا بیان می‌کند و تفاوت‌های فردی، نژادی و فرهنگی را معیار برتری نمی‌داند، بی‌توجهی به این ویژگی‌ها را در تشخیص، درمان و مشاوره بر نمی‌تابد.^{۱۰۰}

۱۶-۲. وفاکردن به وعده‌ها

خداوند وفای به عهد را لازم دانسته، رعایت نکردن آن را مؤاخذه می‌کند.^{۱۰۱}

۹۷. «بر مؤمن چیزی جز حق نگو.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱).
۹۸. «از خدا بترس که با هوا و دلخواه مشورت‌خواه موافقت کنی که آن نامردی است.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۴).
۹۹. «ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.» (حجرات: ۱۳).
۱۰۰. همان‌جا.
۱۰۱. «وفای به عهد کنید که بازخواست خواهید شد.» (اسراء: ۳۴).

۱۷-۲. مدارا با مُراجع و نادیده‌گرفتن اشتباه‌های او

نادیده‌گرفتن اشتباه‌های مردم، با تعبیر «تغافل» مورد توجه اسلام می‌باشد و ثمراتی از قبیل ازدیاد محبت و راحتی زندگی را بر این امر مترتب می‌داند.^{۱۰۲} توجه به این نکته در مدارا با جهل جاهلان مورد تأکید بیشتری می‌باشد.^{۱۰۳}

۱۸-۲. فروتنی و دوری از تکبر و عجب

تکبر و خودبرتربینی از اوصاف بسیار ناشایستی است که اثراتی مانند کفر،^{۱۰۴} محروم شدن از دانش،^{۱۰۵} فراهم آوردن زمینه‌ی ارتکاب گناهان و زشتی‌ها،^{۱۰۶} خوار شدن نزد مردم،^{۱۰۷} نفرت

۱۰۲. «به همه مردم نیکی کن، آنچنان که می‌خواهی به تو نیکی کنند، آنچه را که برای خودت می‌پسندی، برای آنان نیز بپسند و آنچه برای خویشتن نمی‌پسندی، برای دیگران نیز نپسند. اخلاقت را با مردم نیکی کن تا در غیابت به تو محبت ورزند و اگر مُردی برایت اشک ریزند و «ما از خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم» گویند و از کسانی نباش که در مرگش بگویند: «خدا را شکر». بدان که مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدای عزوجل سرآمد عقل است؛ کسی که با همشینیانش خوب معاشرت نکند، خیری در او نیست و آنان که ناچارند با وی معاشرت نمایند، خداوند برای رهایی از شرّ او راه نجاتی قرار می‌دهد. آن‌گاه فرمود: من تمام زندگی و معاشرت مردم با یکدیگر را به منزله‌ی پیمان‌پر می‌پندارم که دو جزء آن جلب محبت و نیکی کردن و یک جزء دیگرش خود را به غفلت (هنگام دیدن اشتباه‌های دیگران) است.» (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۲).

۱۰۳. «سه چیز است اگر در کسی نباشد کردارش ناتمام است؛ ... بردباری‌ای که به‌وسیله‌ی آن نادانی نادان را برگرداند» (همان، ص ۲۰۱).

۱۰۴. «تکبر، نزدیک‌ترین حالت به کفر است.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۹).

۱۰۵. «زراعت در زمین‌های نرم و هموار می‌روید و روی سنگ‌های سخت هرگز رویش ندارد، همین‌گونه دانش و حکمت در قلب انسان متواضع رویش دارد و قلب متکبر جبار هرگز آباد نمی‌گردد، زیرا خداوند تواضع را وسیله‌ی عقل و تکبر را از ابزار جهل قرار داده است.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۳).

۱۰۶. «حرص ورزی و خود بزرگ‌بینی و حسادت، عامل بی‌پروایی در گناهان و زشتی‌هاست.» (نهج‌البلاغه، ص ۵۴۶).

۱۰۷. «کسی که فخرفروشی کند، ذلیل می‌شود.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۰).

و دوری مردم،^{۱۰۸} تلف کردن خود، امکانات و موقعیت‌ها،^{۱۰۹} از دست رفتن شیرینی عبادت^{۱۱۰} (از جمله یاری‌رسانی مشاوره)، پایین آمدن منزلت شخص^{۱۱۱} و... را برجای می‌گذارد.

۱۹-۲. رعایت میا و عفاف و دوری از شهوت‌پرستی

«عفت» دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خویشتن‌داری در برابر هر گونه تمایل افراطی نفسانی می‌باشد^{۱۱۲} و مفهوم خاص آن، خویشتن‌داری در برابر تمایلات بی‌بندوبار جنسی است.^{۱۱۳} اسلام رعایت عفت را در هر دو معنا لازم می‌داند.^{۱۱۴} پیروی شهوت در مشاوره آثار زیان‌بخش فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان به فساد عقل،^{۱۱۵} تضعیف شخصیت،^{۱۱۶} زمینه‌ی ارتکاب گناهان دیگر،^{۱۱۷} از بین رفتن علم و حکمت^{۱۱۸} و تنفر مُراجع و مردم^{۱۱۹} اشاره نمود.

۱۰۸. «منفورترین مردم، متکبر است.» (همان، ج ۷۰، ص ۲۳۱)؛ «هر کس از خودراضی و خودپسند باشد، مردم با او بیشتر دشمنی و غضب می‌نمایند.» (همان، ج ۷۵، ص ۱۳).

۱۰۹. «زیادی تکبر باعث تلف می‌گردد.» (تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۱۰).

۱۱۰. «شیرینی عبادت، تواضع است.» (عطائی، مجموعه‌ی ورام، ج ۱، ص ۲۰۱).

۱۱۱. «فروتنی برای صاحبش رفعت فزاید. پس فروتنی کنی تا خدا شما را رفعت دهد.» (مفید، امالی‌المفید، ص ۲۳۹).

۱۱۲. فراهیدی، کتاب‌العین، ج ۱، ص ۹۲.

۱۱۳. راغب، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۷۳.

۱۱۴. «کسی که از روی مردم شرم و حیا ندارد و خجالت نمی‌کشد، از خداوند نیز ترس و شرم نخواهد داشت.» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۶)؛ «خداوند برای مردان و زنانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند... آموزش و مزدی بزرگ آماده کرده است.» (احزاب: ۳۵).

۱۱۵. «اطاعت کردن از هوا و هوش شهوانی، عقل را فاسد می‌کند.» (تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۴).

۱۱۶. «افزون شدن شهوت، شخصیت انسان را لکه‌دار می‌کند.» (همان، ص ۳۰۵).

۱۱۷. «دوری کنی از خواهش‌ها و هواها؛ پس به درستی که آنها شما را به سوی گناهان دیگر و داخل شدن بر بدی‌ها می‌کشد.» (فلسفی، الحدیث- روایات تربیتی، ج ۱، ص ۲۰۰).

۱۱۸. «حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت‌پرستی است، ساکن نمی‌شود.» (تمیمی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۸).

۱۱۹. «خداوند وقتی بخواهد بنده‌ای را هلاک سازد، حیا را از او بگیرد؛ وقتی حیا از او گرفته شود، متنفر و منفور شود؛ وقتی متنفر و منفور شد، امانت از او گرفته شود و همین که امانت از او گرفته شد، راه خیانت پیش گیرد و کسانی نیز به او خیانت کنند و وقتی چنین شد، رحم از او برخیزد؛ وقتی رحم از او برخاست، مطرود و ملعون شود و طوق اسلام را از گردن او بردارند.» (پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۲۸۸).

۲-۲۰. داشتن برفی روابط دوگانه با مراجع و زیردستان و پرهیز از برفی از روابط دوگانه

با توجه به این که در اسلام، مشاور از جایگاه برتری در مقایسه با مراجع برخوردار نیست و برادر دینی وی به شمار می‌رود و نیز باید تواضع داشته باشد و از تکبر دوری جوید، روابط دوگانه با مراجع و زیردستان مورد نهی نمی‌باشد و در قرآن کریم به این امر توصیه هم شده است.^{۱۲۰} اگر این رابطه به روند درمان و مشاوره آسیب وارد سازد، ترک می‌گردد؛ از جمله‌ی روابطی که باید ترک گردند، رابطه‌ی سوءاستفاده‌جویانه و خائنانه با مراجع است که نمونه‌ی بارز آن آزار جنسی یا رابطه‌ی جنسی نامشروع با او می‌باشد.

از حقوق برادران دینی که نه تنها جواز برخی از روابط دوگانه از آن فهمیده می‌شود، بلکه به استحباب آن نیز دلالت دارند، به قرار زیر است:

۱. کمک به مراجع با تمام وجود؛^{۱۲۱}
۲. کمک کردن به او، به ویژه با وجود تنگدستی مالی‌اش و بی‌تفاوت نبودن به این مسئله؛^{۱۲۲}
۳. قبول کردن دعوت او؛^{۱۲۳}
۴. برطرف کردن گرفتاری وی؛^{۱۲۴}

۱۲۰. خداوند در قرآن کریم برای رفع اختلاف بین زن و شوهر، رجوع به مشاورانی از آشنایان همسران را توصیه می‌نماید و می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ بَرِدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا» (نساء: ۳۵)؛ اگر از اختلاف میان زن و شوهری آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید. اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است». آیه‌ی شریفه به صراحت اعلام می‌دارد که آشنایانی از زن و شوهر وظیفه‌ی اصلاح بین همسران را بر عهده گیرند.

۱۲۱. «حق سوم (برادر دینی) آن است که او را با نفس و مال و زبان و دست و پا یاری نمایی». (محمدباقر مجلسی، بحار/انوار، ج ۷۱، ص ۲۳۸).

۱۲۲. «حق پنجم این که سیر نباشی و او گرسنه و سیراب نباشی و او تشنه و تن‌پوشیده نباشی و او برهنه». (همان‌جا).

۱۲۳. «دعوت او را بپذیری، هر گاه تو را دعوت کرد». (همان، ج ۴۸، ص ۲۴۵).

۱۲۴. «آیا حق برادر دینی خود را ایفا نموده‌ای؟! و آیا گرفتاری او را برطرف کرده‌ای؟!». (همان، ج ۶۷، ص ۷۰).

۵. شاد بودن در صورت شادی او و ناراحت بودن در صورت ناراحتی‌اش؛^{۱۲۵} تمام این موارد و مواردی از این قبیل، نه تنها بر جواز رابطه‌ی دوگانه، بلکه بر استحباب مؤکد آن نیز دلالت دارند.

۲-۲۱. در نظر گرفتن مصلحت مراجع

اسلام یکی از شروط مشاور را تقدم مصلحت مراجع بر خواسته‌های خود می‌داند.^{۱۲۶}

۲-۲۲. لجاجت نکردن با مراجع

لجاجت آن قدر عقل و چشم انسان را کور و از عقلانیت خارج می‌نماید که اسلام رأی و نظر لجوج را مانند نبود رأی و نظر دانسته، بر آن ترتیب اثر نمی‌دهد.^{۱۲۷} از جمله آثار نامطلوبی که این رذیله‌ی اخلاقی در مشاوره دارد، به قرار زیر است:

۱. ایجاد دشمنی با مراجع؛^{۱۲۸}
۲. افتادن در اشتباه و خطا؛^{۱۲۹}
۳. دور شدن از حق؛^{۱۳۰}
۴. ضرر در کارها و نابودی آنها.^{۱۳۱}

۲-۲۳. ارجاع مراجع در صورت ناتوانی در ارائه‌ی فدمات

مشاور در صورت احراز ناتوانایی علمی و تجربی خود در مشاوره و درمان مراجع، باید به

۱۲۵. «در شادی او شاد و در حزن او محزون است». (همان، ج ۲۶، ص ۱۷).

۱۲۶. «با پرهیزکارانی که آخرت را بر دنیا و کارهای شما را بر کارهای خودشان ترجیح می‌دهند و ایثار می‌کنند، مشورت کنید». (تستری، تفسیر التستری، ص ۲۸).

۱۲۷. «رأیی برای لجوج نیست». (تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۶۴).

۱۲۸. «نتیجه‌ی مرء، دشمنی است». (همان، ص ۴۶۴).

۱۲۹. «هر کس جدالش زیاد باشد، از اشتباه در ایمن نیست». (همان‌جا).

۱۳۰. «هر که جدل کردن او به باطل بسیار باشد، کوری او از حق دایمی خواهد بود». (همان‌جا).

۱۳۱. «لجاجت، ضرر به همراه دارد». (همان‌جا).

سرعت او را به مشاور دیگری ارجاع دهد.^{۱۳۲}

۲-۲۴. سوءاستفاده نکردن از موقعیت حرفه‌ای

چون مشاور «امین» مُراجع به شمار می‌رود، نباید از موقعیت حرفه‌ای خود سوءاستفاده کرده، به مُراجع یا زیردستان آسیب وارد سازد. این نکته به ویژه در مواقعی که از مُراجع زیردستان در کارهای نامشروع و غیرقانونی سوءاستفاده شود، مفهوم‌تر است.^{۱۳۳} آزار مُراجع به طور مطلق^{۱۳۴} و سوءاستفاده‌ی جنسی به طور خاص از مصادیق آشکار سوءاستفاده از مُراجع و زیردستان است.

۲-۲۵. ارائه‌ی آگاهی‌های لازم به مُراجع، کارآموزان و زیردستان

اسلام ارائه‌ی آگاهی را در تعیین و تغییر رفتار مؤثر برمی‌شمرد و این امر را در افرادی که درباره‌ی مسئله‌ی خاصی جهل دارند، با تأکید بیشتری لازم می‌داند.^{۱۳۵} آگاهی‌هایی که در مشاوره لازم است به مُراجع، کارآموزان و زیردستان داده شود، زیاد است. از آن جمله می‌توان به توصیفی از صلاحیت‌های مشاور، نحوه‌ی ملاقات و زمان‌بندی و تعداد جلسات، مدت زمان جلسه و حق‌الزحمه‌ها، اطلاعاتی درباره‌ی انواع مشاوره‌های دیگر، مانند گروه‌درمانی و خانواده‌درمانی در صورت نیاز و... اشاره داشت که لزوم ارائه‌ی آگاهی در اسلام را می‌توان به تمام این موارد تعمیم داد.

۱۳۲. «اگر برایش هیچ فکری به ذهن نرسید، ولی شخص دیگری را می‌شناسی که به فکرش اعتماد داری و برای خود می‌پسندی، باید او را به وی راهنمایی و ارشاد کنی؛ در نتیجه تو با این طرز رفتار نه درباره‌اش کوتاهی کرده‌ای و نه هیچ راهنمایی‌ای را از او دریغ داشته‌ای». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸).

۱۳۳. «او را نه برای نافرمانی خدا اسلحه‌ی خود بساز و نه برای ستم به خلق خدا کمک خویش بگردان» (صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۶۸).

۱۳۴. «هر کس موجب خوشحالی مؤمنی گردد، گویی موجب خوشحالی خداوند گردیده است و هر کس مؤمنی را اذیت کند، گویی خداوند را در عرشش اذیت کرده و خداوند از کسی که بدو ظلم نموده است، انتقام می‌گیرد». (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۵۶).

۱۳۵. «ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت و اگر صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌شوند، زیرا آنان مردمی عاری از فهماند». (انفال: ۶۵)؛ در صورتی که این آگاهی و تشویق از سوی خداوند صورت نمی‌گرفت، مسلمانان با ناآگاهی از نیروی بزرگی که دارند، در جنگ با دشمنی که تعداد آنها چند برابر بود، شکست می‌خوردند.

۲-۲۶. رابطه با خانواده‌ی مُراجع

خانواده در نظام اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. در مشاوره‌ی اسلامی، چگونگی این رابطه در سه بخش مورد اهتمام می‌باشد:

۱. درگیر ساختن خانواده در درمان و مشاوره؛^{۱۳۶}
۲. توصیه نکردن به طلاق، مگر در موارد بسیار استثنایی؛^{۱۳۷}
۳. رعایت رازداری هر عضو خانواده در برابر اعضای دیگر.^{۱۳۸}

۲-۲۷. الگو بودن برای مُراجع، کارآموزان و زیردستان

اسلام، با اشاره به الگو بودن افراد، به ویژه افرادی که از جایگاه ویژه و در معرض تقلید برخوردارند،^{۱۳۹} الگو بودن عملی را مطلوب‌تر برمی‌شمارد.^{۱۴۰} الگو بودن، برای مُراجع، کارآموزان، دانشجویان و زیردستان به کار می‌رود.

۲-۲۸. منتقل نکردن نارسایی‌های شخصی خود به مُراجعان و زیردستان

اسلام، با توجه به لزوم تقدم مصالح مُراجع بر مصالح خود، انتقال نارسایی‌های خود به روند درمان و برخورد با مُراجع و زیردستان را نهی می‌کند.^{۱۴۱}

۲-۲۹. انتفاع همکاران و کارکنان باصلاصیت

با توجه به این که همکاران مراکز مشاوره، با مُراجعان تعاملی همانند تعامل مشاوره‌ای در نوع برخورد و حفظ رازداری و... دارند، باید معیارهای اخلاق مشاوره‌ای در انتخاب و تثبیت آنها به منظور رسیدن به مصالح بیشتر برای مُراجعان در نظر گرفته شود.

۱۳۶. با توجه به جایگاه خانواده و نقش آن در اسلام، که در فصل دوم بدان اشاره گردید.

۱۳۷. «هیچ عملی که خداوند آن را حلال شمرده است، نزد او مبعوض‌تر از طلاق نیست». (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴).

۱۳۸. با توجه به تأکیدات عام لزوم رازداری که توضیح داده شد.

۱۳۹. «پیامبر خدا برای شما الگوی پسندیده‌ای است». (احزاب: ۲۱).

۱۴۰. «با غیر زبان خویش مردم را [به خیر] دعوت کنید. مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند؛ اینها خود دعوت‌کننده باشند». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۸).

۱۴۱. «با پرهیزکارانی که آخرت را بر دنیا و کارهای شما را بر کارهای خودشان ترجیح می‌دهند و ایثار می‌کنند، مشورت کنید». (تستری، تفسیرالتستری، ص ۲۸).

۳. مسائل اخلاقی در ارتباط با متخصصان و همکاران دیگر

مشاور افزون بر وظایف خطیری که در قبال خود و مراجعان دارد، در برابر متخصصان دیگر، به ویژه متخصصان یاری‌رسان مشاوره و روان‌درمانی، وظایفی دارد. مهمترین این وظایف به قرار زیر است:

۱-۳. دوری از موقعیت‌های تهمت‌زا یا مواضع مسادت همکاران

اسلام، که برای پیش‌گیری اهمیت والایی قائل است، برای درمان مسائلی که با دیگران ارتباط دارد، به راه‌های پیش‌گیرانه نیز توجه می‌نماید. برای جلوگیری از موقعیت‌های تهمت‌زا یا حسادت همکاران دیگر، به دوری از موقعیت‌های تهمت‌زا و حسادت‌آور^{۱۴۲} و لزوم تواضع^{۱۴۳} همیشگی در رویارویی با همکاران توصیه کرده است.

۲-۳. مسادت نکردن به همکاران

در اسلام، افزون بر لزوم دوری از مواضع حسادت‌آور، هر کس نیز باید از این امر ناپسند دوری جوید. مشاور اسلامی توجه دارد که نخستین شخصی که در اثر حسادت آسیب می‌بیند، حسود خواهد بود. از جمله آثار مخربی که دامن‌گیر مشاور حسود می‌گردد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- ابتلا به بیماری جسمی؛^{۱۴۴}

۲. از بین رفتن اجر و اثر معنوی یاری‌رسانی؛^{۱۴۵}

۳. افسردگی.^{۱۴۶}

۱۴۲. «هر کس به جایگاهی از جایگاه‌های مورد اتهام رود و مورد اتهام واقع گردد، به جز خود کسی را ملامت نکند». (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶).

۱۴۳. «تواضع نعمتی است که سبب حسادت دیگران نمی‌شود». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴).

۱۴۴. «تندرستی بدن از کمی حسادت می‌باشد». (نهج‌البلاغه، ص ۵۱۳).

۱۴۵. «حسد، حسنت را می‌خورد، همان طور که آتش هیزم را از بین می‌برد». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۶).

۱۴۶. «حسود، همواره، حسرت می‌کشد، دلش غمگین است و اندوه از او دست برنمی‌دارد». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶).

افزون بر آن، آثار مخربی که حسد در مشاوره بر جای می‌گذارد، به قرار زیر است:

۱. انتقال حسد به مراجع و روند مشاوره؛^{۱۴۷}

۲. از بین رفتن محبوبیت در میان مراجعان و همکاران؛^{۱۴۸}

۳. ایجاد دشمنی.^{۱۴۹}

۳-۳. دوری از عیب‌جویی و بد جلوه‌دادن متخصصان و همکاران دیگر

اسلام عیب‌جویی دیگران را جایز نشمرده،^{۱۵۰} با نهی نگاه جاسوس‌گونه به مردم،^{۱۵۱} عیب‌جویی کارهای زشت دیگران را به منزله‌ی انجام آن کارها برمی‌شمارد.^{۱۵۲}

۴-۳. داوری نکردن نابجا درباره‌ی مشاوران و همکاران دیگر

سوءظن و تهمت به مؤمنان و تجسس عیوب و لغزش‌های آنان، که ممکن است از حسادت و عیب‌جویی نیز ناشی شود، در اسلام منع شده است، به گونه‌ای که با شنیدن خبر ناشایست درباره‌ی کسی، نباید بدون تحقیق و بررسی کامل تمام ابعاد قضیه، بر ضد او حکم کرد.^{۱۵۳}

۵-۳. مطالعه و توجه به آرای متخصصان و نظریه‌پردازان دیگر

اسلام، با تحسین مطالعه و بررسی آرای دیگر دانشمندان^{۱۵۴} و حتی مشرکان،^{۱۵۵} در عین

۱۴۷. «از شر حسود هنگامی که حسد می‌ورزد، به تو (خداوند) پناه می‌برم». (فلق: ۳).

۱۴۸. هر کس حسد را ترک کند، ثمره‌ی آن محبت نزد مردم است». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۸).

۱۴۹. «حسد جز زیان و دشمنی چیزی نمی‌آورد». (همان، ج ۷۰، ص ۲۵۶).

۱۵۰. «وای بر هر غیبت‌کننده‌ی عیب‌جوی» (همزه: ۱).

۱۵۱. «طوری به عیوب مردم ننگرید که گویا به جاسوسی بر آنها گمارده شده‌اید». (مفید، مالی‌المفید، ص ۲۰۹).

۱۵۲. «هر کس کار زشت دیگران را که پنهان مانده است، فاش و برملا سازد، به منزله‌ی آن است که خود آن کار زشت را کرده است». (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶).

۱۵۳. «اگر فاسقی برایتان خبری آورد، تحقیق کنید، مباد از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید. آن‌گاه از کاری که کرده‌اید، پشیمان شوید». (حجرات: ۶).

۱۵۴. «داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود گرد آورده، بیفزاید». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۷).

۱۵۵. «حکمت را اخذ کنید، و لو از مشرکین» (همان‌جا).

حال، وارد نمودن آرای متضاد با اسلام را در روند مشاوره و درمان مردود برمی‌شمارد.^{۱۵۶}

۳-۶. مشاورت با متفحصان و همکاران دیگر

مشاور با وجود داشتن تخصص، از مشاوره بی‌نیاز نیست و آیات و روایات عامی که به مشاوره امر می‌کنند، شامل مشاور و متخصص هم می‌گردد. این نکته اهمیت خود را در جایی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ با وجود کامل بودن و اتصال به وحی، به دستور خداوند به مشاوره امر می‌شوند.^{۱۵۷} سیره‌ی رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام : نیز بر مشاوره با متخصصان استوار بود^{۱۵۸} و کسی را که خود را از مشاوره با دیگران بی‌نیاز ببیند، مذمت می‌کردند.^{۱۵۹}

۳-۷. همکاری سازنده با متفحصان و همکاران دیگر

اسلام دیگران را به همکاری در کارهای نیک ترغیب و از همکاری در کارهای نامطلوب نهی کرده است.^{۱۶۰}

۳-۸. تشکر از همکاران و زیردستان

اسلام افزون بر لزوم شکرگزاری از خداوند، تعالی در همه‌ی امور، تشکر نکردن و قدردانی ننمودن از افرادی را که به انسان خدمت کرده‌اند، ناشکری به درگاه الهی برمی‌شمارد.^{۱۶۱}

۱۵۶. «آرای مردان را جمع کن. سپس آن رأیی را که به حق نزدیک‌تر است، انتخاب کن و آراییی را که شک داری رها کن.» (صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۴، ص ۳۸۵)؛ «دروغ گفته کسی که گمان کرده از شیعه و پیروان ما است، در حالی که چنگ‌زننده است به دستگیره‌ی غیر ما.» (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۹۸).
 ۱۵۷. «با آنها در کارها مشورت کن.» (آل‌عمران: ۱۵۹).

۱۵۸. علی بن مهزیار گوید که امام دهم ﷺ به من نوشتند: «از فلانی بخواه که نظری به من بدهد و پیش خود خیرخواهی کند، چون می‌داند در شهر او چه توان کرد و با سلاطین چه معامله توان داشت، زیرا مشورت، مبارک است...» (حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۴۵).

۱۵۹. «مشورت‌خواهی، عین هدایت است و هر که خود را از نظر دیگران بی‌نیاز ببیند، به مخاطره افتد.» (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۱۰۴).

۱۶۰. «در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید و در گناه و تجاوز همکاری نکنید.» (مائده: ۲).

۱۶۱. «خدا هر دل غمگینی را دوست دارد و هر بنده سپاس‌گزاری را دوست دارد. روز قیامت خدای تبارک و تعالی به بنده‌ای می‌فرماید: از فلانی سپاس‌گزاری کردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا، من تو را سپاس گفتم؛ خدای تعالی فرماید: چون از او سپاس‌گزاری نمودی، مرا هم سپاس نگفته‌ای. سپس امام ﷺ فرمود: شکرگزارترین شما خدا را کسی است که از مردم را بیشتر شکرگزاری کند.» (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۸، ص ۳۸).

۳-۹. تذکر به همکاران نقض‌کننده‌ی قانون

اسلام همان قدر که از عیب‌جویی و سوءظن به دیگران نهی کرده است، تذکر به کسانی را که رفتار خلاف فرمان الهی انجام می‌دهند، لازم می‌داند و امر به معروف و نهی از منکر را از ارکان اسلام برمی‌شمارد.^{۱۶۲}

۳-۱۰. گزارش تفلف همکاران متفلف به نهادهای قانونی، در صورت اصلاح نشدن آنان از راه غیررسمی

با توجه به لزوم امر به معروف و نهی از منکر، در صورت دست نیافتن به نتیجه‌ی مطلوب از راه غیررسمی، باید برای جلوگیری از اشاعه‌ی فحشا و آسیب رسیدن به حرفه‌ی مشاوره، باید به مرحله‌ی بعدی امر به معروف، که یکی از آنها گزارش به نهادهای قانونی است، گام نهاد.

۳-۱۱. نظارت

نظارت و بازرسی در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که خداوند در چندین آیه به نقش نظارتی خود اشاره دارد.^{۱۶۳} سیره و دستور اهل‌بیت علیهم‌السلام، به ویژه امیرمؤمنان علیه‌السلام ۷ نیز نظارت و بازرسی، به منظور انجام بهینه‌ی کارها بوده است. مشاور اسلامی نیز باید بر کار افرادی که مسئولیت آنها را بر عهده گرفته است، نظارت کافی داشته باشد.

از آنچه باید در نظارت و ارزیابی مورد توجه قرار گیرد، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. دقت در نظارت؛^{۱۶۴}

۲. عمومیت نظارت بر هر شخص؛^{۱۶۵}

۱۶۲. «باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان رستگاران‌اند.» (آل‌عمران: ۱۰۴).

۱۶۳. برای نمونه: «در هر کاری که باشی و هر چه از قرآن بخوانی و دست به هر عملی که بزنی، هنگامی که بدان می‌پردازید، ما ناظر بر شما هستیم.» (یونس: ۶۱).

۱۶۴. «اگر عمل به قدر یک دانهی خردل درون صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا به حسابش می‌آورد که او ریزبین و آگاه است.» (لقمان: ۱۶).

۱۶۵. «از مردمی که برایشان پیامبرانی فرستاده شده و نیز از پیامبرانی که فرستاده شده‌اند، سؤال خواهیم کرد.» (اعراف: ۶).

۳. شرح کامل نتایج نظارت و ارزیابی؛^{۱۶۶}

۴. در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی و موازین الهی در معیار ارزیابی.

از ویژگی‌های لازم برای مشاور ناظر نیز می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. تقوا؛

۲. صداقت؛^{۱۶۷}

۳. دعوت نظارت‌شوندگان به رعایت امانت و مهربانی.^{۱۶۸}

جمع‌بندی

مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی در سه حیطه مورد بررسی قرار گرفت:

۱. مسائل اخلاقی خود مشاور؛

۲. مسائل اخلاقی مشاور در رابطه با مراجعان؛

۳. مسائل اخلاقی در ارتباط با متخصصان و همکاران دیگر.

می‌توان مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی در بخش‌های بالا را در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۱-۱. مسائل اخلاقی در مشاوره‌ی اسلامی

ردیف	مسائل اخلاقی در این باره
۱	کرامت انسانی
۲	توجه عاطفی مثبت به همه‌ی مراجعان و پذیرش آنها
۳	ارزیابی عاقلانه‌ی مسائل
۴	تقوا
۵	پرهیز از حرص
۶	بخیل نبودن
۷	صبر
۸	آراستگی ظاهری
۹	داشتن صلاحیت حرفه‌ای
۱۰	عمل به دانسته‌ها
۱۱	بازبینی مستمر اعمال، علم و توانایی‌های خود

مسائل اخلاقی در رابطه با خود مشاور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶۶. «و از هر چه کرده‌اند، با آگاهی تمام برایشان (بر پیامبران و مردم) حکایت خواهیم کرد، زیرا ما هرگز

غایب نبوده‌ایم.» (اعراف: ۷).

۱۶۷. «ناظرانی راستگو و وفای‌پیشه بر ایشان بگمار.» (نهج‌البلاغه، ص ۴۳۵).

۱۶۸. «و ادار کنندگی آنهاست به رعایت امانت و مهربانی بر مردم.» (همان‌جا).

مساءئل اخلاقی در این باره	ردیف	مساءئل اخلاقی در رابطه با مراجع
تکریم و احترام به مراجع	۱	
خوش‌گفتاری و خوش‌برخوردی	۲	
توجه کامل به مراجع و درک کامل او	۳	
احترام به ارزش‌های منحصر به فرد مراجع	۴	
سلب نکردن اختیار و آزادی مراجع	۵	
رازداری	۶	
نصیحت و خیرخواهی	۷	
صمیمیت و مهربانی	۸	
ایجاد و حفظ شادابی در مشاوره	۹	
صداقت و راستی	۱۰	
جرئت و نترسیدن	۱۱	
ارائه مشاوره‌ی عمیق	۱۲	
حق‌مداری	۱۳	
روانداستن تبعیض	۱۴	
توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد مراجع	۱۵	



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وفای به عهد	۱۶	مساءئل اخلاقی در رابطه با مراجع
مدارا با مراجع و نادیده گرفتن اشتباه‌های او	۱۷	
فروتنی و دوری از تکبر و عجب	۱۸	
رعایت عفاف و دوری از شهوت‌پرستی	۱۹	
داشتن برخی از روابط دوگانه و پرهیز از روابط دوگانه‌ی نامشروع یا آسیب‌رسان	۲۰	
در نظر گرفتن مصلحت مراجع	۲۱	
لجاجت نکردن با مراجع	۲۲	
ارجاع مراجع در صورت ناتوانی در ارائه‌ی خدمات لازم	۲۳	
سوءاستفاده نکردن از موقعیت حرفه‌ای و مراجع	۲۴	
ارائه‌ی آگاهی‌های لازم به مراجع، کارآموزان و زیردستان	۲۵	
رابطه با خانواده‌ی مراجع	۲۶	
الگو بودن برای مراجع	۲۷	
منتقل نکردن نارسایی‌های شخصی خود به مراجع و زیردستان	۲۸	
انتخاب کارکنان و همکاران باصلاحیت برای ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای	۲۹	

ردیف	مسائل اخلاقی در این باره	مسائل اخلاقی در رابطه با همکاران و متخصصان دیگر
۱	دوری از موقعیت‌های تهمت‌زا یا مواضع حسادت همکاران	
۲	حسادت نکردن به همکاران	
۳	دوری از عیب‌جویی همکاران	
۴	داوری نکردن نابجا درباره‌ی همکاران و مشاوران دیگر	
۵	تذکر به همکاران نقض‌کننده‌ی قانون	
۶	مطالعه و توجه به آرای نظریه‌پردازان	
۷	مشاوره و نظرخواهی از مشاوران دیگر	
۸	همکاری سازنده با متخصصان و همکاران دیگر	
۹	تشکر از همکاران، متخصصان و زیردستان	
۱۰	گزارش تخلف به نهادهای قانونی	
۱۱	نظارت	

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احسائی، ابن ابی‌جمهور، *عوال اللائی*، قم، انتشارات سیدالشهداء ۷، ۱۴۰۵ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۴. تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله، *تفسیرالتستری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۶. چترچی، نوشین، *دانش اخلاق و دانش‌ها*، تهران، انتشارات مه‌جو، ۱۳۸۰ش.
۷. حر عاملی، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت :، ۱۴۰۹ق.
۸. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۶ق.
۹. صابری یزدی، علی‌رضا و انصاری محلاتی، *محمدرضا، حکم‌الزاهره*، قم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا 7*، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ش.
۱۲. طبرسی، حسن، *مکارم الاخلاق*، قم، نشر شریف‌رضی، ۱۳۷۰ش.
۱۳. عطائی، محمدرضا، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.
۱۴. فراهیدی، خلیل ابن احمد، *کتاب‌العین*، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۵. فلسفی، محمدتقی، *الحدیث-روایات تربیتی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۷. مجلسی، محمداقبر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۸. مفید، *امالی‌المفید*، قم، کنگره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۹. *نهج‌البلاغه*، نسخه‌ی صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۲۰. نوری، حسین، *مستدرک‌الوسائل*، قم، نشر مؤسسه‌ی آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

20. Mally, P .B., and Reilly, E .P) .1999 .(Legal and ethical dimensions for mental health professionals .Taylor and Francis Publishers.

درآمدی بر مؤلفه‌های اساسی مدیریت و درمان هیجانی، با نگاهی به مبانی اسلام

رحمت‌الله مودب^۱

چکیده

انسان در زندگی خود با بسیاری از واقع و حوادث روبه‌رو می‌شود که با کمک نیروهای درونی‌اش، که خدای متعال در وجود انسان به ودیعه گذاشته است، بر آن تفوق می‌یابد. نیروی درونی انسان‌ها، زندگی را پویا کرده، موجب حرکت و رشد می‌گردد؛ نیرویی که پایه و اساس بسیاری از رفتارها و بینش‌های انسانی می‌شود. به طور کلی، می‌توان گفت که این نیرو همان هیجان‌های انسانی است. هیجان‌ها سطوحی از عواطف می‌باشد که دارای شدت و مدت و جهت خاص است و بر رفتار و تفکر فرد تأثیر مستقیم می‌گذارد. هیجان‌ها، تندبادها و گردبادهای عاطفی است که کنترل‌ناشدنی بوده، خودمختار عمل می‌کنند؛ بنابراین، مدیریت بر آن، در خودکنترلی و جهت‌دهی رفتار مهم به شمار می‌آید؛ از این رو، تحقیق حاضر ضمن تعریف جامعی از انگیزش و هیجان و تبیین علمی دقیق، به سطوح مختلف انگیزشی عواطف، سازه‌ها و مؤلفه‌ها، تحلیل هیجان بر رفتار و تفکیک انواع هیجان‌ها و تفاوت یا یکسانی برخورد با آن، پرداخته است. سپس در بخش دیگری، مشکلات مهار هیجانی، چگونگی درمانگری هیجانی-عقلانی و فنون درمانگری، رابطه‌ی هیجان و فیزیولوژی و رابطه‌ی اختلالات هیجانی و اختلال هویت مورد دقت علمی قرار می‌گیرد و در بخش پایانی نیز به تبیین ویژگی‌های اخلاقی-هیجانی در اسلام پرداخته است و به منظور تحقیق بیشتر، اشاره‌ای نیز به ارتباط هیجان‌ها با قوانین حقوقی و اخلاقی خانواده می‌کند.

واژگان کلیدی: انگیزش و هیجان، مهارگری هیجانی، شناخت، تحول اخلاقی، هوش هیجانی، مکانیسم دفاعی، درمانگری هیجانی-عقلانی.

۱. دانش‌آموخته‌ی سطوح عالی حوزه‌ی علمیه، کارشناس ارشد روان‌شناسی.